

## جایگاه ترمیم خسارت‌های وارده به بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی:

### از حقوق بین‌الملل عمومی تا حقوق بین‌الملل کیفری

دکتر بهزاد رضوی فرد\*

#### چکیده

پس از جنگ اول و دوم جهانی به این دلیل که حقوق بین‌الملل هنوز چندان قوام نیافته بود، طبیعتاً موضوع با اهمیت جایگاه بزه‌دیدگان و مسأله ترمیم آسیب‌های وارده به آنها و جبران خسارت‌های‌شان هنوز به دغدغه اصلی بدل نشده بود. آن زمان سخن محافل بین‌المللی نه اجرای عدالت بلکه مجازات مجرمان جنگی بین‌المللی بود.

پس از دوران جنگ سرد و وقوع کشتارهای بوسنی و هرزه‌گوین و آنگاه تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و سپس نسل‌کشی رواندا و تأسیس دومین دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه، علی‌رغم سکوت اساسنامه هر دو دادگاه در مورد حقوق بزه‌دیدگان و مسأله ترمیم خسارت آنها، حقوق داخلی رواندا با قانون ارگانیک ۱۹۹۶ و تشکیل دادگاه‌های گاجاچا تا حدودی به صورت نمادین به حقوق بزه‌دیدگان اهمیت داده و قواعدی را برای ترمیم خسارت وضع به اجرا گذاردند.

پس از آن با اجماع جهانی بر اساسنامه رم و تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بزه‌دیدگان گامی به پیش گذاشت. حق مشارکت در فرایند رسیدگی، حق مورد حمایت بودن و نهایتاً حق برخورداری از ترمیم و جبران خسارت مورد توجه قرار گرفت. بزه‌دیده از این پس حق مطالبه خسارت خواهد داشت اما او طرف دعوا نیست بلکه او در حین مشارکت در فرایند رسیدگی می‌تواند درخواستش را بدهد. امروزه کم‌کم ترمیم و جبران خسارت‌های وارده به بزه‌دیدگان هم جای خود را در فرایند رسیدگی باز نموده و هم به نهادی تبدیل گردیده است که می‌تواند مانند کیفر یا یک ابزار دو رگه دارای کارکردهای خاص خود باشد.

#### کلید واژگان

ترمیم - کیفر - حقوق بین‌الملل کیفر - دیوان کیفری بین‌المللی - دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی - بزه‌دیده - اساسنامه - مقررات آیین دادرسی و ادله - گاجاچا - صندوق - عدالت ترمیمی.

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

## مقدمه

ترمیم و جبران خسارت‌های وارده به بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی امروزه برای طرف‌داران حقوق کیفری بزه‌دیده مدار اهمیت دو چندان پیدا نموده است. همین امر سبب گردیده تا در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری و در موارد کثرت بزه‌دیدگان، موضوع ترمیم خسارت‌های وارده به آنها بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در همین خصوص، کمیسیون حقوق بین‌الملل برای روشن تر کردن مسأله و تفکیک بین کیفر ترمیم و سایر کیفرها، تصدیق نموده است که؛ کیفرهای غیر از حبس بیشتر مربوط به حوزه حقوق مدنی می‌شوند تا کیفری. بنابر باور این کمیسیون عاقلانه‌تر این است که این نوع کیفرها را بر عهده محاکم ملی و توافقی‌های بین‌المللی مربوطه واگذار کنیم.<sup>۱</sup>

این به آن معنی است که این نوع کیفرها مابین قلمرو کیفری و مدنی جا می‌گیرند. در خصوص رابطه بین ترمیم و عنوان کیفر، برخی دیگر عنوان نموده‌اند که: «تاریخ روابط کیفر و ترمیم نشان از یک جدایی تدریجی دارد که به آهستگی منجر به تفاوت‌هایی میان این دو ضمانت اجرا گردیده است.»<sup>۲</sup> اما زمانه ما به شدت نسبت به حقوق بزه‌دیدگان و پیشرفت عدالت ترمیمی حساس شده است.

اخیراً نیز جنبشی کاملاً جدی به نام عدالت ترمیمی در ایالات متحده متولد شده است.<sup>۳</sup> از طرفی در فرانسه اصلاحات جدید کیفری را با عنوان «ضمانت اجرا-ترمیم»<sup>۴</sup> پیش‌بینی نموده‌اند که مبتنی بر تعهد محکوم علیه بر پرداخت غرامت خسارت وارده به بزه‌دیده در مهلت معین و بر اساس روش‌های تعیین شده توسط محکمه می‌باشد.<sup>۵</sup>

استفاده ماده ۷۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی لاهه از عنوان «ترمیم به نفع بزه‌دیدگان» در این مورد جالب توجه می‌باشد. هر چند که این ماده در فصل اختصاص داده شده به کیفرها جا نگرفته، با این حال می‌توان از جنبه‌های کیفری این تدبیر در سطح حقوق بین‌الملل سخن راند.

بزه‌دیده در حقوق بین‌الملل کیفری دارای نقشی پیچیده و تناقض‌آمیز است و عملاً همان چیزی که در حقوق داخلی است، نیست.<sup>۶</sup> برخی حقوق‌های ملی اجازه می‌دهند تا بزه‌دیده یکی از طرفین فرایند کیفری یا شاکی خصوصی را جهت دستیابی به جبران خسارت تشکیل دهد. اما چنین چیزی هنوز در سطح بین‌الملل پیش‌بینی نگردیده است.<sup>۷</sup>

با این همه ترمیم یا پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان امروزه یکی از دغدغه‌های نگران‌کننده حقوق‌دانان بین‌المللی - و حقوق کیفری بین‌المللی می‌باشد. از طرفی جنبش جهانی شدن حقوق کیفری، دیدگاه‌های سنتی‌ای که تلاش می‌کنند تا قلمرو حقوق کیفری از حقوق مدنی را تفکیک نمایند، متحول نموده است. لذا از این پس حقوق کیفری تمایل شدیدی برای سرزنش جرم توسط شیوه‌های نزدیک به حقوق مدنی دارد. چونانکه، برخی تصور می‌کنند که یک عدالت بازسازنده ممکن است منجر به لغزش حقوق کیفری به سمت حقوق مدنی و همچنین دورشدن کامل از مفهوم کانتی

<sup>۱</sup>.Projet de statut de 1994 de la CDI.commentaire portant sur l'article 47, ACIDI,vol II 2e partie,p. 135.

<sup>۲</sup>.PAILLARD, Bertrand . La fonction réparatrice de la répression pénale, p.1 .

<sup>۳</sup>.همان، ص ۴.

<sup>۴</sup>.ماده ۳-۱۳۱ از مجموعه قوانین کیفری فرانسه، قانون شماره ۲۹۷-۲۰۰۷، پنج مارس ۲۰۰۷ این ماده مقرر می‌دارد. «ضمانت اجرا -ترمیم با تعهد محکوم علیه مبنی بر ترمیم خسارت‌های وارده به بزه‌دیده در مهلت معین و بر اساس شیوه‌های تعیین شده توسط محکمه تحقق می‌شود. با توافق محکوم علیه و بزه‌دیده، ترمیم می‌تواند به صورت نقدی اجرا گردد.همچنین می‌تواند با اعاده مال خسارت دیده در نتیجه ارتکاب جرم به حال اول نیز محقق گردد.این اعاده به حالت اول توسط خود محکوم علیه یا یک شخص حرفه‌ای که توسط او انتخاب می‌گردد و دستمزدش را هم می‌پردازد صورت می‌گیرد».

<sup>۵</sup>.MAYAUD, Yeve. Droit pénal général,para : 503, p.539.

<sup>۶</sup>.CHESNELONG, Bénédicte. « Victimes et justice des crimes de guerre et contre l'humanité », p.37.

<sup>۷</sup>.ROUZBEH, Panteha.« La saisine des Tribunaux pénaux internationaux», 2006, P.206.

کیفر گردد. در این برداشت، تنها ابزار سنجش کیفر، جرم است نه خسارتی که میوه ارتکاب جرم است. بنا به اعتقاد این مکتب کیفری، ترمیم تنها می‌تواند یک نقش نمادین را بازی کند.<sup>۸</sup> در این معنا، «قانون قصاص ممکن است به عنوان اولین شکل ترمیم مورد توجه قرار گیرد.»<sup>۹</sup> از این رو، ضرورت ترمیم خیلی زود در حقوق بشر دوستانه ظاهر گردید. به عنوان مثال می‌توان به ماده ۳ کنوانسیون لاهه (۱۲ اکتبر ۱۹۰۷) مربوط به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی اشاره نمود.<sup>۱۰</sup> که حقوق فردی اشخاص خصوصی را مستقیماً در حقوق داخلی و با پذیرش ترمیم خسارت‌های مربوطه به نقض حقوق جنگ که آنها قربانی‌اش شده‌اند می‌پذیرفت. ماده ۹۱ پروتکل ۱ الحاقی به کنوانسیون ژنو (۱۲ اوت ۱۹۴۹) مربوط به حمایت از بزه‌دیدگان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، همچنین ماده ۱۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه از این قبیل هستند. اخیراً کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در حقوق بشر، در «اصول بنیادین و رهنمودهای مربوط به حق تجدیدنظر و ترمیم خسارت‌های بزه‌دیدگان نقض علنی حقوق بشر بین‌المللی و نقض شدید حقوق بین‌الملل بشر دوستانه» بر روی نقطه عطف مسأله یعنی «ترمیم مناسب، مؤثر و سریع خسارت‌های تحمیلی و دسترسی به اطلاعات مفید مربوط به خشونت‌ها و شیوه‌های ترمیم»<sup>۱۱</sup> دست گذاشته است. این کمیساریا در اصل ۱۵ مذکور اعلام می‌کند که: «هدف یک ترمیم مناسب، مؤثر و سریع عبارت است از ارتقای عدالت به وسیله مجازات نقض‌های علنی حقوق بشر بین‌المللی یا نقض شدید حقوق بین‌الملل بشر دوستانه. لذا، ترمیم باید متناسب با شدت نقض و خسارت تحمیلی باشد»<sup>۱۲</sup>. در موضوع مورد بحث ما ابتدا به مفهوم جبران خسارت آن‌گونه که در حقوق بین‌الملل عمومی ظاهر شده خواهیم پرداخت. (گفتار اول) شریف بسیونی در ماده ۱۹ اصول مشهورش<sup>۱۳</sup> اشکال مختلف ترمیم را با عنوان استرداد اموال، پرداخت غرامت، بازسازی، رضایت و دادن تضمین‌های عدم تکرار جرم مطرح می‌نماید. از این رو، ما خواهیم دید که چگونه ضرورت ترمیم در حقوق محاکم کیفری بین‌المللی مورد توجه واقع شده‌اند. (گفتار دوم).

### گفتار اول: ترمیم در حقوق بین‌الملل عمومی

معمولاً حقوق بین‌الملل کشورها را مجبور به پیش‌بینی ترمیم و جبران خسارت بزه‌دیدگان خشونت‌های شدید حقوق بشر دوستانه می‌کند. در اصل، قاعده جبران خسارت‌های ناشی از جنگ، به عنوان یک مفهوم بعد از جنگ اول جهانی به حقوق بین‌الملل وارد شده است، به این معنی که مبالغی را که یک کشور پیروز به کشور شکست خورده به عنوان ترمیم خسارت‌ها و هزینه‌های جنگ تحمیل می‌نماید، تعیین می‌کند. مسأله ترمیم امروزه فصل مهمی از حقوق بین‌الملل عرفی و مبتنی بر کنوانسیون را تشکیل می‌دهد. به عبارت بهتر، جنایاتی چون نسل‌کشی، برده‌داری یا تجاوز که مورد سرزنش حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق کیفری بین‌الملل هستند، به وفور اتفاق افتاده‌اند.

<sup>۸</sup>. KESSEDJIAN, Catherine, La réparation des crimes de l'histoire vue sous l'angle du droit international privé, 2004, P.86.

<sup>۹</sup>. همان.

<sup>۱۰</sup>. D'ARGENT, Pierre, Les réparations de guerre en droit international public, la responsabilité internationale des États à l'épreuve de la guerre, 2002, P. 314.

<sup>۱۱</sup>. Résolution de la commission des droits de l'homme 2005/35, princip 11, para bet c.

<sup>۱۲</sup>. اصل ۱۵ اصول بنیادین و رهنمودهای مربوط به حق تجدیدنظر و ترمیم خسارت‌های بزه‌دیدگان نقض حقوق بین‌الملل در ارتباط با حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه.

<sup>۱۳</sup>. Principes BASSIOUNI, Doc., ONU E /CN.4/2000/62, 18 janvier 2000.

رفتارهای نامشروع و «مخالف تعهدات بین‌المللی، با ویژگی‌هایی همچون شدید بودن و وارد کردن صدمه به منافع جامعه بین‌المللی متمایز می‌گردند»<sup>۱۴</sup>. البته ممکن است مبنای ترمیم توسط یک دولت که تعهداتش را نقض کرده، جنایت ارتكابی توسط آن دولت باشد. به عبارتی اگر مرتکب نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه یا حقوق بشر بین‌المللی دولت بوده باشد، تعهد به ترمیم نمی‌تواند به هیچ‌کس دیگری تحمیل گردد.<sup>۱۵</sup> این قاعده همچنین از لحاظ بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است. به گونه‌ای که می‌توان آن را نوعی تعهد «در بر گیرنده» نامید. به این معنی که ضرر مورد ترمیم، تمامی خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از فعل یا رفتار نامشروع بین‌المللی را در بر می‌گیرد. دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در این خصوص مقرر داشته است که: «اصل اساسی که از مفهوم فعل نامشروع ناشی می‌شود و به نظر می‌رسد مبتنی بر سنت بین‌المللی است، عبارت از اینکه ترمیم خسارت‌ها تا آنجا که ممکن است باید تمامی آثار و نتایج فعل نامشروع را از بین برده و همان وضعیتی را که احتمالاً در صورت عدم ارتكاب آن فعل وجود می‌داشت برقرار کند»<sup>۱۶</sup>. در این خصوص می‌توان دو مورد را به عنوان مثال مورد توجه قرارداد. یکی تاریخی است که مربوط به جنگ اول جهانی است (الف) و دیگری که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است اختلافی است که در خصوص ترمیم خسارت‌های وارده به بوسنی‌هرزگوین توسط صربستان مطرح شده است. (ب).

### الف) پس از جنگ اول جهانی

با پایان یافتن جنگ اول جهانی، جهان با رقمی معادل ۵ درصد قربانیان غیر نظامی مواجه گردید که همگی واقعاً نیاز به دریافت غرامت و ترمیم خسارت‌های وارده شده داشتند. در این دوره، هر کشوری مناسبات خود را با کشورهای هم‌گروه و هم‌عقیده خود تقویت می‌کرد تا بتواند دیگران را ملزم به پرداخت بدهی‌های خود کند<sup>۱۷</sup>. هم‌زمان نیز مفهوم «بزه‌دیده جنگ» در ادبیات حقوقی ظهور نمود<sup>۱۸</sup>. به گونه‌ای که در زمان معاهده ورسای در مورخ ۲ ژوئن ۱۹۱۹، مسأله ترمیم خسارت وارد در قالب حقوق بین‌الملل به دغدغه کشورهای درگیر در جنگ تبدیل شده بود. چنانکه هشتمین بخش معاهده به «ترمیم‌ها» که شامل مقررات عمومی و اختصاصی مربوطه می‌شد پرداخته بود. اساساً، بنابر مواد ۲۳۱-۲۳۲ این معاهده، دولت آلمان به دلیل دست‌زدن به تجاوز نظامی مسئول شناخته می‌شد و به دنبال آن موظف به جبران و ترمیم خسارات وارد به بزه‌دیدگان بود. ماده ۲۳۱ در این مورد صراحتاً بیان می‌دارد که «دولت‌های متحد و متفق اعلام می‌کنند و آلمان می‌پذیرد که آلمان و متحدانش در مورد اموال آسیب‌دیده، تمامی تخریب‌ها و خسارت‌های تحمیل شده به دول متحد و متفق و اتباع آنها که ناشی از جنگ بوده یا بر اثر تجاوز آلمان یا متحدانش ناشی شده مسئول می‌باشد». و به دنبال آن در بند دوم ماده ۲۳۲، آلمان تمامی مسئولیت‌های «ترمیم خسارات وارد به غیر نظامیان هریک از قدرت‌های متحد و متفق» را می‌پذیرد.

در سند ضمیمه ۱۹<sup>۱۹</sup> و در بند ۱۰ آن به شیوه‌ای قابل توجه گونه‌های متفاوت خسارت‌ها را بر می‌شمرد<sup>۲۰</sup> به شکلی که می‌توانیم آن را «سیاهه‌ای عینی» از خسارت‌های گوناگون بدانیم. به علاوه، ماده ۲۳۸ معاهده، قواعد متعهد کننده

14. QNEGHINGR, Jean-francois, *La réparation des crimes de l'histoire : état et perspectives du droit international public contemporain*. 2004, p.49.

15. DOUCET, Chislaine, « Reconnaissance internationale des droits des victimes », in : *Terrorisme, victimes et responsabilité pénale internationale*, (sous la direction), Calmann LEVY et S.O.S ATTENTATS 2003, p.145.

16. QNEGHINGR, Jean-francois, op.cit, p.50- 51.

17. SALAS, Denis, « Avant propos », p. 8.

18. DEPERCHIN, Annie, « Victimes du premier conflit mondial et justice », 2004, p. 17.

۱۹. این سند پیوست بخش هشتم معاهده می‌باشد.

دولت آلمان، جهت اموال مستقر در سرزمین‌های متحدانش را به عنوان استرداد آنها مورد توجه و گوشزد قرار می‌دهد. در این ماده آمده‌است که:

« علاوه بر پرداخت‌های پیش‌بینی شده مذکور، آلمان با پذیرش تشریفات در نظر گرفته شده توسط کمیسیون ترمیم، استرداد هر نوع اقلام ربوده شده، استفاده‌شده یا توقیف شده و همچنین استرداد حیوانات، اشیاء از هر نوع و همچنین اعتبار و ارزش‌های به سرقت رفته یا توقیف شده را در مواردی که شناسایی آنها در قلمرو سرزمینی آلمان یا کشورهای متحدش ممکن باشد به اجرا خواهد گذاشت».

در این چارچوب، کشورهای متحد، با آلمان موافقت‌نامه‌ای را برای دریافت غرامت گذرانده‌اند به ترتیبی که میزان ترمیم در معاهده ذکر شده است. توافقنامه شماره ۹۳۵ بین آلمان و انگلستان تسویه تعهدات آلمان در قلمرو استرداد اموال را چنین توضیح می‌دهد که: «دولت آلمان، طی توافقنامه حاضر، پرداخت مبلغ معادل ۷۵۰۰۰۰۰ مارک طلا را با عنوان درخواست‌های استرداد پیش‌بینی شده در ماده ۲۳۸ می‌پذیرد و مناسب است که این دین را به شیوه‌ای که از این پس در بند سوم توافقنامه حاضر و در پروتکل موجود در پیوست توافقنامه تعیین شده، پردازد».<sup>۲۱</sup> در همین مورد فرانسه پذیرای ۵۲ درصد از کل ترمیم‌ها بوده است. در نهایت و با این اوصافی که گذشت می‌بینیم که این گونه معاهدات توفیق‌چندانی در پایه‌گذاری یک شالوده حقیقتاً حقوقی برای ترمیم خسارت‌های بزه‌دیدگان جنگ به دست نیاورد. شکست معاهده ورسای تلاش‌های صورت گرفته را ناکام گذاشت و امروزه تنها می‌توان از این تلاش به عنوان یک نقطه آغازین یاد نمود. البته با این همه برخی سخن از یک ابتکار پایه‌گذاری شده توسط معاهده ورسای رانده‌اند و از آن با عنوان «یک فرایند ترمیمی که در حال جایگزین شدن با پرداخت غرامت قسطنطنیه جنگ‌های گذشته» است، یاد کرده‌اند.<sup>۲۲</sup>

## (ب) اختلاف بین بوسنی و صربستان

این اختلاف به دنبال شکایت بوسنی هرزه‌گوین و در خصوص خسارات وارده به بوسنی و شهروندان بزه‌دیده‌اش، علیه صربستان در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح گردید. از این رو، این دیوان در رأی ۲۶ فوریه ۲۰۰۷ خود مربوط به «مسئولیت صربستان» در قبال کشتار ارتكابی در بوسنی در فاصله زمانی ۱۹۹۵-۱۹۹۲ اعلام داشته که دولت صربستان نه مستقیماً مرتکب نسل‌کشی گردیده و نه در راستای این هدف کاری انجام داده است. به عبارت دیگر، نسل‌کشی توسط اعضای ارتش صرب بوسنی و هرزه‌گوین صورت گرفته است. در این رأی تصریح شده است که «افعال ارتكابی مربوط به نسل‌کشی در سربرنیتسا به این عنوان که آنها جزء افعال ارتكابی توسط نهادها یا اشخاص با ماهیت کاملاً وابسته به مدافعین می‌باشد قابل انتساب به آنها نیستند و بنابراین این افعال با این مبنا مسئولیت بین‌المللی صربستان را به دنبال نخواهند داشت».<sup>۲۳</sup>

نکته برخاسته از این رأی این است که نقض یک تعهد بین‌المللی باید قابل انتساب به دولت مورد سمت باشد زیرا، که اساساً دولت نمی‌تواند مسئول افعال شخصی دیگران شناخته شود.<sup>۲۴</sup> با این همه دیوان معتقد است که صربستان هیچ

<sup>۲۰</sup> بر اساس این سند ضمیمه و بنابر ماده ۲۳۲ تمام مواد خسارات در دسته‌های زیر قرار می‌گیرند: ۱- خسارات وارده توسط تمامی افعال جنگی به غیر نظامیان که به شخصیت یا زندگی آنها و یا سایر افرادی که تحت اداره آنها هستند از قبیل بمباران یا سایر حمله‌های جنگی. ۲- خسارات وارده توسط آلمان یا متحدانش به غیر نظامیان بزه‌دیده از افعال بی‌رحمانه، خشونت‌آمیز یا رفتارهای غیرانسانی. ۳- خسارات به بزه‌دیدگان ناشی از تمامی افعال موجب صدمه به سلامتی، توانایی کار کردن و یا موجب لطمه به حیثیت آنها یا سایر افرادی که تحت تکفل این بزه‌دیدگان هستند. ۴- خسارت وارده به واسطه هر نوع رفتار غیر انسانی نسبت به زندانیان جنگی.

<sup>۲۱</sup> Société de Nations, Recueil des traités, 1925, p. 374, para. 2.

<sup>۲۲</sup> DEPERCHIN, Annie. Op. cit, p. 28.

<sup>۲۳</sup> TEANI, Anne-Lise. L'arrêt de la Cour internationale de justice du 26 février 2007 p. 776.

<sup>۲۴</sup> همان، ص، ۷۷۳.

تلاشی در جهت رعایت تعهداتش مبنی بر پیشگیری و کیفر جرم نسل‌کشی ارتكابی در سربرنیتسا انجام نداده است. و در واقع در خصوص همکاری کامل با دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق که مسئولیت‌ها را تعقیب می‌کند ناکام مانده است. «از این رو، باید فوراً تدابیر لازم را برای همکاری کامل با دادگاه فوق و انتقال اشخاص تحت پیگرد به دلیل نسل‌کشی یا دیگر جنایات، به کار برد.»<sup>۲۵</sup>

در نتیجه بر خلاف خواست مسلمانان بوسنیایی «این مورد از مواردی نیست که پرداخت غرامت مورد حکم قرار گیرد.»<sup>۲۶</sup> نهایتاً در این مورد نباید در خصوص نقش دیوان بین‌المللی دادگستری اغراق نمود زیرا، اگرچه قاعده «ترمیم کامل»<sup>۲۷</sup> را اجرا می‌کند اما این امر هیچ فایده مستقیمی برای بزه‌دیده‌گان ندارد زیرا، تنها دولتی که دادگاه را صالح دانسته است خواهد توانست از تدابیر مربوط به ترمیم خسارت بهره‌برد.<sup>۲۸</sup>

در خصوص بحث و درگیری فوق، بعد از کشتار سربرنیتسا، مسأله در محاکم داخلی مطرح شده بود. و به دنبال آن در تاریخ «۱۲ ژوئیه ۲۰۰۴، ۶۲ نفر از بازماندگان این کشتار درخواستی را مبنی بر ترمیم خسارت نزد سازمان ملل مطرح می‌نمایند؛ به دنبال سکوت سازمان ملل در قبال این درخواست، تلاش دیگری علیه سازمان ملل متحد و برای دریافت غرامت با طرح شکایت در دادگاه اداری پاریس آغاز شد.»<sup>۲۹</sup>

پس از آن نیز نزدیکان بزه‌دیدگان این کشتار، در حرکتی دیگر و با جدیت بیشتر در دادگاه لاهه خواستار ترمیم خسارت توسط سازمان ملل متحد و کشور هلند می‌شوند. در آن زمان دادگاه اعلام کرده بود که تصمیم‌اش را در مورد مصونیت سازمان ملل متحد در مورخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۸ اعلام می‌نماید. مبلغ مورد درخواست بازماندگان قربانیان این حادثه بنابر درخواست و کلای بزه‌دیدگان ۲/۶ میلیون یورو برآورد شده بود که به زعم آنها این مبلغ تنها نقطه شروعی است برای مذاکره و تعیین میزان دقیق خسارات.<sup>۳۰</sup> پرداختن به چنین مسأله‌ای البته خالی از سابقه هم نیست؛ در قضیه جنگ عراق، پس از اولین جنگ خلیج فارس در قطعنامه شماره ۶۸۷ (مورخ ۳ آوریل ۱۹۹۱)، تأسیس «صندوق غرامت برای پرداخت خسارت» و ضررهای تحمیل شده به کشورها، شرکت‌های خارجی و اشخاص حقیقی‌ای که مستقیماً به اشغال کویت توسط عراق منتسب می‌شدند، پیش‌بینی شده بود. بعداً قطعنامه ۶۹۲ سازمان ملل متحد تأسیس کمیونی را پیش‌بینی نمود که می‌بایست عهده‌دار اداره این صندوق با دارایی ۳۰ درصد عواید ناشی از فروش نفت عراق، گردد. حوادث فوق نشان می‌دهد که متأسفانه شورای امنیت در مدیریت یک رژیم ترمیم از طرفی نه به اندازه کافی قوی عمل نموده و نه برای برقراری نوعی عدالت توزیعی بین کشورهای درگیر مخاصمات، بی‌طرف بوده است.

### گفتار دوم: مسأله ترمیم در حقوق محاکم کیفری بین‌المللی

در این حوزه مسأله مورد بحث ما به مرور و از لحاظ منبع و متون حقوقی سامان یافته‌تر از حوزه قبلی است. لذا متون حقوقی متعددی یافت می‌شوند که همواره بر تحمیل ترمیم خسارات ناشی از نقض حقوق بین‌الملل به کشورها در خصوص روابطشان با اشخاص تأکید کرده‌اند.

<sup>۲۵</sup>. Le Figaro.fr, 15/10/2007.

<sup>۲۶</sup>. همان.

<sup>۲۷</sup>. Restitutio in integrum:

این اصطلاح لاتین در زبان فرانسه با عنوان: restitution en entier به معنی استرداد و بازسازی کامل آمده است.

<sup>۲۸</sup>. DUBUIS, Yanick. La réparation au profit des victimes en droit pénal humanitaire, p. 316.

<sup>۲۹</sup>. این شکایت در نوامبر ۲۰۰۴ تقدیم دادگاه اداری پاریس گردید.

<sup>۳۰</sup>. Des proches de victimes de Srebrenica demandent des réparations à l'ONU et aux Pays-Bas, in: BBC.PERSIN.COM. Ou, [www.latribune.fr/info](http://www.latribune.fr/info), consulté le 18 juin 2008.

در این مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر حق توسل مؤثر به قانون اساسی یا قوانین عادی علیه افعال ناقض حقوق به رسمیت شناخته شده را پیش‌بینی نموده است. به همین ترتیب پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کشورها را ملزم به تضمین «توسل فایده مند» در مورد نقض حقوق و آزادی‌ها و تضمین اعمال این نوع توسل می‌نماید.<sup>۳۱</sup> در زمانی که هنوز کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد فعال بود، با توجه به قدرت تفسیر و نظارتش بر اعضا در پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر تعهدات کشورها مبنی بر تضمین جدی ترمیم‌ها تأکید و تصدیق می‌کرد.<sup>۳۲</sup>

ماده ۴۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هم در مواردی که حقوق داخلی طرف متعهد اجازه و امکان از بین بردن کامل نتایج ناشی از یک نقض به رسمیت شناخته شده توسط دادگاه را نمی‌دهد، نوعی «خشنودی متعادل»<sup>۳۳</sup> یا منصفانه را به رسمیت می‌شناسد. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز دادگاه آمریکایی حقوق بشر را در صورت اقتضاء مجاز به صدور حکم «ترمیم و پرداخت غرامت دقیق به طرف زیان‌دیده در خصوص نتایج ناشی از اتخاذ تدابیر منجر به نقض حقوق بشر» می‌داند. وانگهی، قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد همواره بر موارد نقض دسته جمعی و گسترده حقوق بشردوستانه تأکید ورزیده‌اند: به عنوان نمونه اعلامیه مربوط به حقوق بزه‌دیدگان ناشی از جنایات یا سوءاستفاده از قدرت، صادره در سال ۱۹۸۵<sup>۳۴</sup> و همچنین اعلامیه مربوط به حق ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیدگان ناشی از نقض حقوق بشر یا حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در سال ۲۰۰۵ از این دست می‌باشند.<sup>۳۵</sup>

همچنین کنفرانس دوربان که در سال ۲۰۰۱ درخصوص ترمیم نتایج شوم برده‌داری، به بردگی گرفتن، استعمارگری نژادپرستانه تشکیل گردید و اعلامیه و «برنامه فعالیت»<sup>۳۶</sup> را تصویب کرد، مسأله پرداخت غرامت و ترمیم خسارات بزه‌دیدگان با تأکید بر نقش قانون‌گذاری‌های داخلی و ضرورت بها دادن به سیستم‌های حقوق داخلی مورد توجه قرار داد.<sup>۳۷</sup> البته اگرچه این نوع قطعنامه‌ها الزام‌آور نیستند اما همواره، می‌توان آنها را به عنوان مواد اساسی لازم برای مستدل کردن احکام و آراء محاکم بین‌المللی کیفری و غیر کیفری مورد استفاده قرار داد.

صورت ترسیم شده از مسأله ترمیم نشانگر جوانی این نهاد می‌باشد. اما هدف ما بها دادن به این نهاد در منطق حقوق کیفری و پذیرش آن به عنوان یک نهاد کیفری در مجموعه زرادخانه کیفری بین‌المللی است به گونه‌ای که بتوان آن را به عنوان یکی از کیفرهای موجود در سیاهه کیفرهای قانونی جا دهیم. این نهاد در مراحل تدریجی و متفاوت زیر ظاهر گردیده است: در اولین مرحله؛ در زمان دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو (الف)، سپس در جریان محاکم کیفری بین‌المللی معاصر (ب) و نهایتاً دیوان کیفری بین‌المللی دائمی لاهه است که ظرفیت قوی برای توسعه حقوق بزه‌دیدگان ایجاد نموده است (ج).

## الف) دادگاه‌های نظامی بین‌المللی

<sup>۳۱</sup> ماده (۳) و (۵) ۹ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

<sup>۳۲</sup> Comité des Droits de l'homme de l'ONU, Observation générale n° 31 sur l'Article 2 du Pacte: « La nature de l'obligation juridique générale imposée aux Etats parties au Pacte », Doc. ONU CCPR/C/74/CRP.4/Rev.6 (2004), para. 16.

<sup>۳۳</sup> Satisfaction équitable.

<sup>۳۴</sup> FOURCANS, Claire, Les violences sexuelles devant les juridictions pénales internationales, 2007, p. 479.

<sup>۳۵</sup> Doc.: E/CN.4/2005/59.

<sup>۳۶</sup> Doc. Off. NUA/CONF.189/5 (2001).

<sup>۳۷</sup> همان، بندهای ۱۶۶-۱۶۵.

در واقع با حقوق نورنبرگ است که اولین قدم‌های برپایی و شکل‌گیری رژیم حقوقی کیفرهای بین‌المللی برداشته می‌شود. این مبنا به ما اجازه خواهد داد تا ارزش ترمیم را در جهت کم‌ویش مبتنی بر رویه قضایی بسنجیم. البته این جهت‌گیری مانع از این نیست که اعتراف کنیم نه در دادگاه نورنبرگ و نه در دادگاه توکیو سرنوشت بزه‌دیدگان و مسائل آنها به صورت قطعی رتق و فتق نگردیده است.<sup>۳۸</sup> این به آن معنی است که در این مقطع ترمیم به عنوان یک نهاد قضایی به صورت یک کیفر جنایی ظاهر نمی‌شود.<sup>۳۹</sup> شاید به همین دلیل است که کیفرشناس فرانسوی، آقای دنیس سالاس<sup>۴۰</sup> معتقد است که: «دادگاه نورنبرگ با هدف اجرای عدالت در حق بزه‌دیدگان نسل‌کشی تشکیل نگردید بلکه برای کیفر جنایتکاران جنگی برپا شد.»<sup>۴۱</sup>

از طرفی قضیه ترمیم خسارات جنگ دوم جهانی در روابط میان دولت‌ها، از جهات مختلف نسبت به آنچه که در سیستم معاهدات صلح ۱۹۱۹ قابل تصور بود قابل تفکیک است. در این رابطه توافقات مختلفی بین قدرت‌های متحد و کشورهای متفق شکل گرفته بود: از جمله یک توافقنامه مالی و توافقنامه ۱۹۴۵ با هدف توزیع غرامت‌ها به شکلی متناسب و عادلانه.<sup>۴۲</sup> این توافقات و همچنین مقررات مربوط به توزیع عموماً به کشورهای ناکام جنگ تحمیل گردیده‌اند. با این همه، در طول نیم قرن گذشته، آلمان بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار به قربانیان هولوکاست پرداخته است.<sup>۴۳</sup>

از طرفی دیگر، بنابر برخی گزارش‌ها در طول سال ۲۰۰۰ میلادی، دولت آلمان و کارخانه‌های مادر در این کشور، صندوقی را با دارایی ۵ میلیارد دلار برای پرداخت غرامت به کارگرانی که تقریباً در طول چهار سال جنگ در آلمان نازی اجیر شده بودند را تأسیس نموده‌اند و دولت آلمان برای اداره آن بنیادی به نام «بنیاد خاطره، مسئولیت و آینده»<sup>۴۴</sup> را ایجاد نموده است.<sup>۴۵</sup> با این اوصاف معلوم می‌گردد که مسأله ترمیم خسارات متوالی ناشی از جنگ دوم جهانی توسط آلمان، در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی بسیار واضح‌تر و پر بارتر از بعد حقوقی مرتبط با بزه‌دیدگان ناشی از جنایات نازی‌ها است. به طور کلی به نظر می‌رسد که در این دوران دو دسته کلی از ترمیم‌های فردی قابل تصور بوده‌اند؛ یکی استرداد اموال و دیگری پرداخت غرامت.

استرداد اموال به مواردی مربوط می‌گردد که مالی از بین‌رفته و یا حقوق و منافع غیر قابل شناسایی باشند. به این دلیل، افراد خسارت دیده همواره توانسته‌اند اظهاریه‌هایی را برای بازسازی این اموال تحویل مقامات مربوطه دهند.<sup>۴۶</sup> در حالی که اساسنامه محاکم نورنبرگ و توکیو فاقد مقرراتی مستقیم راجع به ترمیم به نفع بزه‌دیدگان می‌باشند. تنها در ماده (۲۸) اساسنامه نورنبرگ برخی کیفرهای مالی همچون مصادره اموال مقرر شده‌اند. مع‌ذالک، هریک از این دو دادگاه

38. PIERRE, Alexia, *Victimes de crimes de droit international humanitaire et justice pénale internationale*, 2008, p. 314.

39. STEWART BROWN, Bartram. *État des lieux des droits de l'homme, du droit international humanitaire et du droit international pénal : face aux requêtes en « réparation » des crimes de l'histoire : bilan prospectif*. 2004, p. 77.

40. SALAS, Denis.

41. SALAS, Denis, « Avant propos », op. cit, p. 8.

42. BOISSON DE CHAZOURENS, Laurence, *Mise en œuvre de la réparation des crimes de l'histoire : une possible [ré] conciliation des temps passés, présents et futurs ?*, p. 105.

۴۳. همان، ص ۱۰۷.

44. La fondation mémoire, responsabilité et future.

45. PLUMELLE-URIBE, Rosa Amelia, « Les crimes contre l'humanité et le devoir de réparation », in : *Crimes de l'histoire et réparations : les réponses du droit et de la justice*, p. 200.

۴۶. همان، ص ۱۰۵.



می‌توانستند؛ «هر نوع کیفر دیگری را که مناسب می‌دانند» مورد حکم قرار دهند. این عبارت ماده البته، نوعی ظرفیت و امکان برقراری عدالت به وسیله ترمیم فردی یا جمعی خسارات به نفع بزه‌دیدگان فراهم می‌نمودند. اگرچه در عمل این دو دادگاه<sup>۴۷</sup> هیچگاه چنین کیفری را مورد حکم قرار ندادند.<sup>۴۸</sup>

### ب. در روبه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی ویژه معاصر

در این دادگاه‌ها تنها برخی مسائل و عموماً کلی مربوط به استرداد برخی اموال مورد توجه قرار گرفت و باز هم مسأله ترمیم مورد غفلت واقع گردید. (۱) البته در مورد دادگاه رواندا باید کمی تفاوت قائل شد (۲).

#### ۱. عموماً مسأله

در مقدمه قطعنامه شماره ۸۲۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد، به تاریخ ۲۵ مه ۱۹۹۳ آمده است که: «فعالیت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی باید بدون ورود ضرر به حقوق بزه‌دیدگان، با ابزارهای متناسب و با ترمیم خسارات تحمیلی ناشی از نقض حقوق بشر دوستانه، انجام شود.»<sup>۴۹</sup> هرچند که حقوق بزه‌دیدگان در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا کم‌وبیش روشن‌تر است، اما اساسنامه این دادگاه نیز همچون دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق<sup>۵۰</sup> در خصوص مسأله ترمیم زیان‌ها و خسارات در حق بزه‌دیدگان ساکت می‌باشد.<sup>۵۱</sup> این سکوت با استناد به برخی ادله عملی توجیه شده‌اند: ابتدا گفته‌اند که نمی‌توان به این دادگاه‌ها قدرت توافق کامل بر سر ترمیم خسارت بزه‌دیدگان اعطاء نمود در حالی که نه اختیار طرح دعوی کیفری را دارند و نه می‌توانند به عنوان مدعی خصوصی مداخله نمایند. به عبارتی این امر، منجر به طرح مشکلات تقریباً حل‌نشده‌ای مربوط به سازگاری با قاعده تناسب، تعقیب‌ها و یا حداقل مشکل به جریان انداختن تحقیقات می‌گردد. که این امر به نوبه خود به سختی با مسأله تعارض صلاحیت محاکم ملی و دادگاه‌های بین‌المللی سازگار است. و همین امر ما را در بررسی و ارزش‌گذاری خسارات تحمیلی با مشکلات قابل توجهی مواجه خواهد نمود.<sup>۵۲</sup> به عبارت دقیق‌تر، با وجود این مشکلات، بزه‌دیده در این محاکم به شاهی دیگر شهود تبدیل خواهد گردید. که نهایتاً می‌تواند عناصری از دلیل مربوطه به ارتکاب یک جنایت را تأمین نماید.<sup>۵۳</sup> از این رو تنها چیزی که در این دادگاه‌ها پذیرفته شده است، عبارت از استرداد تمامی اموال و دارایی‌های به‌دست آمده از راه‌های نامشروع به صاحبان قانونی آنها می‌باشد. در واقع این عبارت از پاراگراف سوم مواد ۲۳ و ۲۴ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا که می‌گوید: «علاوه بر حبس محکوم‌علیه، شعبه بدوی می‌تواند استرداد تمامی اموال و دارایی به‌دست آمده از راه نامشروع از جمله به عنف را به صاحبان آن مورد حکم قرار دهد»، نوعی کیفر تکمیلی اختیاری را به اجرا می‌گذارد.<sup>۵۴</sup> نکته دیگر اینکه، بند A از قاعده ۱۰۵ مقررات آیین دادرسی و ادله دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بیان می‌دارد که شعبه بدوی، پس از رسیدگی به مجرمیت این اختیار را دارد که قبل از صدور حکم استرداد اموال جلسه دیگری را برای تعیین مالکیت اموال مورد اختلاف برگزار نماید. البته متأسفانه هر دو دادگاه کیفری بین‌المللی از یک چنین فرصتی در هیچ

<sup>۴۷</sup> این دادگاه و دادگاه‌های ژاپن در خصوص پرداخت غرامت در حق اسرای انگلیسی و استرالیایی جنگ به توفیقی دست نیافتند.

<sup>۴۸</sup> رابرتسون، جفری، ۱۳۸۳، ص ۴۸۳.

<sup>۴۹</sup> Document S/RES/827 (1993).

<sup>۵۰</sup> FOURCANT, Claire. Op.cit, p. 477.

<sup>۵۱</sup> بر اساس برخی گزارش‌ها ۹۰ درصد بزه‌دیدگان جنگ بالکان در سال‌های ۱۹۹۰ را قربانیان غیر نظامی تشکیل می‌دادند.

<sup>۵۲</sup> BOFGHI, Alvaro Alvaro. L'immunité des dirigeants politiques en droit international, p. 524.

<sup>۵۳</sup> LESCURE, Karine. TRINTIGNAN, Florence. Une justice internationale pour l'ex-Yougoslavie, mode d'emplois du Tribunal pénal international de la Haye, 1994, p. 62s.

<sup>۵۴</sup> بند سوم از ماده ۷ طرح قانون جنایات علیه صلح و امنیت نیز یک چنین مفهومی را مورد توجه قرار می‌دهد.

یک از رسیدگی‌های خود بهره نبردند.<sup>۵۵</sup> در این مورد تنها یک رأی بسیار مهم منجر به بسته شدن حساب اسلو بودان میلو سوویچ و چهار شریک وی شده که می‌توان آن را حداکثر نوعی تدبیر موقت و احتیاطی تلقی نمود.<sup>۵۶</sup> به دنبال این حکم، کشورهای عضو سازمان ملل دست به مسدود نمودن حساب‌های نامبرده زدند.

به نظر می‌رسد پیش‌بینی استرداد اموال در اساسنامه این دادگاه‌ها را بتوان نوعی تلاش حداقلی برای جبران خسارت وارده به بزه‌دیدگان تلقی نمود. این در حالی است که این دادگاه‌ها از نظر شورای امنیت در خصوص صدور حکم در مورد پرداخت غرامت ناشی از نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه صالح شناخته نشده‌اند. بنابراین طبیعی و قابل درک است که عده‌ای از نویسندگان در خصوص این کارکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی چنین انتقاد کنند که: «اگرچه این دادگاه‌ها نقش مهمی در اجرای حقوق بین‌الملل کیفری و بشر دوستانه دارند اما هیچگاه قادر به تدارک پاسخ مناسبی جهت ترمیم خسارات بزه‌دیدگان نبوده‌اند».<sup>۵۷</sup>

البته اگر چه سخن فوق در کلیتش کاملاً صحیح است اما از باب توجیه اینکه نهایتاً مقررات موجود این دو دادگاه خالی از قواعد حداقلی در این خصوص نیست، می‌توان به قاعده ۱۰۶ از مقررات آیین دادرسی و ادله هر دو دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا در مورد پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان و مبنی بر پیش‌بینی فرایندی جهت رجوع به محکام ملی، اشاره نمود. بنابر پاراگراف A از این قاعده: «منشی دادگاه، دادنامه‌ای که به استناد آن متهم خساراتی را به بزه‌دیده وارد نموده و بر این اساس او را مجرم شناخته است برای مقامات کشور مربوطه ارسال می‌نماید.» از طرفی پاراگراف B ماده پیش‌گفته تأکید می‌کند که بزه‌دیدگان یا نمایندگان قانونی آنها قادر خواهند بود تا در برابر یک محکمه ملی یا هر نهاد صالح دیگری مشروط به وجود قوانین ملی مناسب برای ترمیم خسارات وارده اقدام نمایند. بنابراین این امر به این معنی است که بزه‌دیدگان جنایات شدید بین‌الملل نمی‌توانند از یک روش مستقیم برای به-دست آوردن غرامت خود در سطح حقوق کیفری بین‌الملل بهره ببرند. به همین دلیل اکثر پرونده‌های این دو دادگاه، در این ارتباط با محاکم ملی‌ای روبه‌رو خواهند شد که هنوز در مقامی نیستند که یک قضاوت عادلانه را به اجرا بگذارند. از این رو شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم این دادگاه‌ها در تدوین و اجرای حقوق بزه‌دیدگان چندان توفیقی نداشته‌اند، تا آنجا که فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، رویه فوق مبنی بر مراجعه به محاکم داخلی برای ترمیم خسارات وارده را رد نموده و آن را برای بزه‌دیدگان نامناسب می‌داند.<sup>۵۸</sup>

## ۲. در مورد دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا

مسئله ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیدگان در برابر این دادگاه با توجه به خشونت‌های واقع شده در خلال نسل‌کشی و سایر جرائم علیه بشریت که استثنائاً به صورت دولتی هم ارتکاب یافته و رقم بالایی هم دارند از اهمیت زیادی برخوردار است. در این خصوص سه سطح از اهمیت مسئله را باید مورد توجه قرار داد: اول؛ ترمیم‌هایی که در برابر این دادگاه کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته، آنگاه توجه به قوانین و رویه قضایی داخلی و سوم چگونگی ظهور نوعی ترمیم مشارکتی توسط محاکم گاجاچا است که مورد بحث قرار خواهند گرفت.

55. DUBUIS, Yanick.op. cit, p. 318.

56. Affaire Milosevic, n° IT-99-37-I, TPIY.

57. BASIOUNI, Cherif. 2003, p. 176.

58. Fédération internationale de droit de l'homme, Entre illusion et désillusion : les victimes devant le TPIR, in : [www.fidh.org/spip.php?Article=840&var\\_recherche=TPIR](http://www.fidh.org/spip.php?Article=840&var_recherche=TPIR), octobre 2002, p. 21.

## ۱.۲. مسأله مطرح شده در آروشا<sup>۵۹</sup>

ظاهراً تا به امروز شعب دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا ابزارهای پیش‌بینی شده در قواعد ۱۰۵ و ۱۰۶ مقررات آیین دادرسی و ادله را به کار نگرفته‌اند. در ۳۰ پرونده مورد حکم قرار گرفته تا ژوئن ۲۰۰۹ دادگاه<sup>۶۰</sup>، در خصوص استرداد یا پرداخت غرامت حکمی صادر ننموده بود. اما مسأله به گونه‌ای دیگر و در حوزه اداری و دیپلماتیک توجه همه را به خود جلب نموده است. اگرچه قضات شعب بدوی موافقت خود را برای پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان اعلام نموده و اراده خود را در این زمینه مورد تأکید قرار داده‌اند، اما در مقابل، رئیس دادگاه مخالف بوده<sup>۶۱</sup> زیرا به اعتقاد وی این کار ممکن است برای سلامت عملکرد دادگاه مضر باشد. از این رو، حداقل نظریه پذیرفته شده این بود که از سازمان ملل متحد درخواست شود تا یک صندوق یا سازوکار جدید ویژه‌ای برای پرداخت غرامت به صورت فردی و یا جمعی به بزه‌دیدگان تأسیس گردد. به نظر می‌رسد رئیس دادگاه رواندا در این خصوص بیشتر اعتقاد به مسئولیت مراجع بین‌المللی داشته است. زیرا، وی درخواستی را برای دبیر کل سازمان ملل ارسال می‌کند که بر آن اساس از شورای امنیت بخواهد که خود را برای اصلاح اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق صالح دانسته تا به این وسیله اجازه داده شود نسبت به بزه‌دیدگان جبران خسارت صورت گیرد. لذا با همین هدف است که دادگاه یک برنامه کمک به بزه‌دیدگان و شهود بالقوه را در سال ۲۰۰۰ و در راستای بازپذیری جسمی و کمک مالی به آنها در ایام بازپذیری به جریان می‌اندازد. به همین دلیل در میان سایر شرکت‌کنندگان در جمع‌آوری کمک‌ها، ساخت و ساز مقدماتی ۲۳ خانه روستای صلح آغاز گردید<sup>۶۲</sup>. با همه این تلاش‌های دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، بازهم بزه‌دیدگان امکان مشارکت در فرایند دادرسی به عنوان شاکی خصوصی را ندارند.

## ۲.۲. جایگاه ترمیم در قانون‌گذاری و رویه قضایی داخلی

اساساً، در قانون‌گذاری رواندایی سه دسته از قوانین برای به جریان انداختن دعوی خصوصی در مورد نسل‌کشی به چشم می‌خورد. ابتدا، مواد ۷۱، ۷۲ و ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری است که برخی از جنبه‌های ترمیم را مدیریت می‌کنند. در وهله دوم؛ مواد ۱۳۵ تا ۱۳۹ قانون ساماندهی<sup>(۱)</sup> و صلاحیت قضایی<sup>(۲)</sup> است که موضوع مورد بحث را پوشش می‌دهند. و در نهایت، قانون ارگانیک مورخ ۳۰ اوت ۱۹۹۶ به عنوان عملی‌ترین و مهم‌ترین قانون طی مواد ۲۷ تا ۳۲ خود، مقرراتی را در مورد ترمیم آورده است. ماده ۲۷ پیش‌بینی می‌کند که دادسرا، منافع شخصی بزه‌دیدگان را که کمتر قادر به پی‌گیری حضوری هستند معرفی و تشریح می‌نماید. و در ماده ۳۰ با نگاهی تقریباً جامع مقرر می‌دارد که: «مسئولیت کیفری اشخاص مربوط به دسته اول که در ماده (۲) تعیین گردیده‌اند، شامل مسئولیت مدنی بهم پیوسته و منسجم برای تمامی خسارات وارده در کشور و به دنبال افعال ناشی از مشارکت جنایی آنها و صرف نظر از محل ارتکاب می‌باشد. همچنین افراد مربوط به دسته دوم و سوم یا چهارم، برای تمامی افعال جنایی که مرتکب شده‌اند دارای مسئولیت مدنی خواهند بود. در واقع بدون اضرار به حقوق بزه‌دیدگان حاضر یا کسانی که در جریان رسیدگی خود را معرفی نموده‌اند، محکمه صالح، بنا به درخواست دادستان و در راستای منافع بزه‌دیدگانی که هنوز شناسایی نشده‌اند غرامت و منافی را اختصاص خواهد داد.» به علاوه ماده ۳۱ با در نظر گرفتن حقوق افراد فوت شده مستقیماً مقرر می‌دارد که:

«دادگاه صالح به رسیدگی در دعوای خصوصی حتی اگر متهم در جریان رسیدگی فوت شده یا از عفو بهره‌مند گردیده است، در خصوص خسارات و منافع حکم صادر خواهد نمود.» از جهت دیگر ماده ۳۲ در راستای تکمیل

<sup>۵۹</sup>. آروشا نام شهری است که در آنجا دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا مستقر است.

<sup>60</sup>. Razavifard, Behzad. 2009, p. 205.

<sup>61</sup>. VANDEGINSTE, Stef. 2001, p. 99-100.

<sup>۶۲</sup>. همان، ص ۹۹.

ماده ۳۱ صندوقی را برای خسارات و منافع اختصاص داده شده به بزه‌دیدگان شناسایی نشده پیش‌بینی می‌کند. اما در خصوص توجه رویه قضایی به مسأله مورد بحث، یکی از پژوهش‌های منتشر شده در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که <sup>۶۳</sup>؛ از ۱۵۹ رسیدگی خاتمه یافته توسط محاکم رواندا، تنها در ۵۰ درصد موارد، خسارات و منافع مورد موافقت قرار گرفته‌اند. و متأسفانه احکام مدنی در هیچ‌یک از موارد مورد مطالعه، نه در برابر دولت و نه در مورد محکومین کیفری، اجرا نشده‌اند. در حقیقت تنوع پرونده‌ها، گستردگی دعوای مدنی و ضعف دادگستری رواندا نشانگر ضرورت مداخله مستقیم دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در مسأله ترمیم خسارات وارده به نفع بزه‌دیدگان می‌باشد. به علاوه، با توجه به مشارکت دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در تأمین مالی خسارات وارده به میزان ۱۵ درصد <sup>۶۴</sup>، می‌توان این سؤال را مطرح نمود که چرا از همان ابتدا شورای امنیت یک منبع مالی کافی را برای جبران خسارت بزه‌دیدگان که حتی جنایت کارانش در مشقت و فقر مطلق به سر می‌برند پیش‌بینی ننموده‌است.

### ۲,۳. ترمیم مشارکتی توسط محاکم محلی گاچاچا<sup>۶۵</sup>

باید گفت این محاکم که بنابر قانون ارگانیک شماره ۴۰/۲۰۰۰ و در مورخ ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱ پا به عرصه متون قانونی رواندا گذاشته‌اند، سمبل نوعی عدالت ترمیمی و مشارکتی محسوب می‌گردند. واضح است که جنایات بسیار شدیدی همچون برنامه‌ریزی برای نسل‌کشی در صلاحیت دادگاه‌های حقوق عمومی یا دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا است، در حالی که دادگاه‌های گاچاچا در خصوص مجرمیت متهمان مشارکت در نسل‌کشی و همچنین در خصوص میزان پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان حکم صادر می‌نماید. وجه مشترک میان دادگاه‌های گاچاچا و محاکم کیفری داخلی رواندا این است که بزه‌دیدگان می‌توانند در دعوای مطروحه شاکی خصوصی باشند. در همین رابطه قانون اخیرالذکر در ماده ۷۱ خود مقرر داشته است که: « متهمین مربوط به دسته چهارم <sup>۶۶</sup> تنها محکوم به ترمیم مدنی خسارات وارده به اموال دیگری خواهند شد. » با این حال ماده ۹۱ همین قانون به صراحت در ارتباط با تمامی خسارات وارده توسط اشخاص مجرم مربوط به دسته اول، سوم و چهارم مسئولیت مدنی را به رسمیت می‌شناسد. مبلغ غرامت قابل پرداخت توسط قانونی که تأسیس صندوق غرامت را پیش‌بینی می‌کند <sup>۶۷</sup> معین خواهد شد. <sup>۶۸</sup> براساس ماده ۲ این قانون، هدف این صندوق ترمیم فراگیر و مبتنی بر حکم صادره توسط محاکم حقوق عمومی و دادگاه‌های گاچاچا می‌باشد. ترمیم، معمولاً تمام گروه‌های بهره‌مند از صندوق از جمله بزه‌دیدگان مستقیم و حتی آنها که فوت شده‌اند؛ بزه‌دیدگان غیر مستقیم؛ همسران بازمانده، فرزندان آنها و والدین‌شان را در برمی‌گیرد. (ماده ۱۳) به علاوه، ترمیم خسارت

63. DUBUIS, Yanick. op. cit, p. 320.

64. VANDEGINSTE, Stef. همان .

65. قبل از ایجاد دادگاه‌های بومی توسط استعمارگران در سال ۱۹۴۳، مردمان رواندا اطراف درختان بزرگی که چونان چتر سایه می‌افکند برای شستن لباس‌های‌شان به صورت خانوادگی جمع می‌شدند. بنابر پیشینه‌های تاریخی *çaçaca* به کلمه چمن یا چمنزار (*pelouse*) بر می‌گردد. چنین تجمعی بعدها به عنوان یک مبنای سنتی، زیر بنای تشکیل دادگاه‌هایی گردید که سیستم آنها براساس اصل همجواری هرچه بیشتر با شهروندان و در وهله اول توجه به بزه‌دیدگان می‌باشد. این دادگاه‌ها سمبل همکاری با مردم و همراه با مردم می‌باشند که اول بار توسط قانون ارگانیک ۲۵ ژانویه ۲۰۰۱ رواندا ایجاد و سپس در ۲۲ ژوئن همان سال اصلاح گردید. قبل از آن در ۱۵ فوریه سال ۲۰۰۰ یک بخش از این دادگاه در مرکز دیوان عالی رواندا تشکیل شده بود. شروع به کار رسمی این دادگاه‌ها را بایستی از تاریخ ۱۸ ژوئن ۲۰۰۲ دانست. این دادگاه‌ها بایستی به سه دسته از جرائم پیش‌بینی شده در قانون ارگانیک (قانون فوق‌العاده یا بنیادین) مصوب ۱۹۹۶ رسیدگی می‌کردند.

66. اشخاص مرتکب جرائم علیه اموال هستند که تحت یک سیستم پرداخت غرامت قرار می‌گیرند.

67. Amnesty International, Rwanda, « vouées à la mort », les victimes de viol atteints par le VIH/SIDA, in : Document public AFR 47/07/2004.

68. هر چند که اولین ویرایش قانون مربوط به پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان نسل‌کشی توسط شورای وزیران رواندا در اوت ۲۰۰۲ نگارش یافته است اما هنوز در مجلس ملی به رأی گذاشته نشده.

معنوی، حتی در صورت فوت بزه‌دیده همانند مورد ناتوانی دائمی در ماده ۱۶ قانون فوق مورد اشاره قرار گرفته است. بنابر ماده ۹۰ این قانون، محاکم عادی و همچنین محاکم گاجاچا بایستی رونوشت احکام دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر را به صندوق پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جنایت نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت ارسال نمایند. با تفصیلی که بحث شد به نظر می‌رسد بتوان مدعی شد که ترمیم در هر شکل و فرمی که باشد، هنوز واقعاً در متن دادگاه‌های کیفری بین‌المللی متولد نشده است. این سخن به خوبی توسط متخصص برجسته حقوق کیفری بین‌الملل، آقای شریف بسیونی با جملات زیر تصدیق شده است:

«تصمیم سترگ پرداخت غرامت به یک بزه‌دیده به سیستم قضایی داخلی واگذار شده است که در مورد یوگسلاوی و رواندای پس از جنگ زمینه برای بحث از چنین پرونده‌هایی به خوبی فراهم نشده بود.»

شایان یادآوری است که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی در ماده ۲۲ اساسنامه‌های شان پیش‌بینی می‌کنند که این دادگاه‌ها به کمک برخی قواعد آیین دادرسی و ادله می‌توانند برخی تدابیر حمایتی را پیش‌بینی کنند. به لطف این مبنا، قاعده ۳۴ آیین دادرسی و ادله هر دو دادگاه تأسیس بخش مساعدت به بزه‌دیدگان و شهود را پیش‌بینی نموده است. بر این اساس، این بخش بزه‌دیدگان یا شهود را از جریان رسیدگی و حقوق‌شان آگاه خواهد نمود.<sup>۶۹</sup> حمایت‌ها، پشتیبانی‌ها و عملیات این بخش به گونه‌ای می‌تواند امید به فراهم‌سازی شرایط ابتدایی نوعی ترمیم با تأخیر را در حوزه حقوق داخلی تقویت کند.

### ج) ارتقای محتاطانه جایگاه ترمیم در دیوان کیفری بین‌المللی لاهه

طبیعی است که چندین سال پس از تجربه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی معاصر، اساسنامه رم با رویکردی هوشمندانه‌تر به حقوق بزه‌دیدگان و ترمیم خسارت‌های وارده به آنها توجه نماید. مع‌ذالک به نظر می‌رسد حتی در برابر چنین دادگاه مبتنی بر نوعی توافق جهانی هنوز هم حقوق بزه‌دیدگان از جهاتی محجور مانده است. قاعده مربوط به ترمیم حقوق بزه‌دیدگان توسط ماده (۷۵) اساسنامه دادگاه مورد توجه واقع گردیده است. بند یک این ماده تصویر کلی چگونگی اجرای حقوق ترمیم در برابر دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه را ترسیم می‌نماید. در آنجا آمده است که:

«دادگاه در خصوص جبران خسارت بزه‌دیدگان یا نمایندگان قانونی آنها قواعد قابل اعمالی را در اشکالی همچون؛ ترمیم، استرداد، غرامت یا اعاده وضع به حالت سابق وضع می‌نماید. براین اساس، دادگاه در رأی خود می‌تواند بنا به درخواست ذی‌نفع و یا در شرایط خاصی رأساً، حدود و میزان هر نوع آسیب، نقض و یا لطماتی را که به مجنی‌علیه‌م و یا در ارتباط با آن وارد آمده معین نماید و قواعد کلی را که بر پایه آنها عمل می‌نماید، بیان خواهد کرد.»

خانم «آن‌ماری لاروزا»<sup>۷۰</sup> از نویسندگان حوزه حقوق بین‌الملل کیفری در خصوص ماده فوق معتقد است که «اشکال ترمیم پیش‌بینی شده در ماده جامع و فراگیر نیست»<sup>۷۱</sup>. با این حال نامبرده مثالی افزون بر موارد مذکور در ماده را ارائه نمی‌دهد. اگرچه می‌توان تصور نمود که چنین مصادیقی از ترمیم، آن هم پس از سکوت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی معاصر به نوعی پیشرفت در حوزه حقوق مجازات بین‌المللی تعبیر گردد.

به علاوه، قواعد ۹۴ تا ۹۹ مقررات آیین دادرسی و ادله به طور ویژه‌ای به آیین رسیدگی<sup>۷۲</sup> مربوط به ترمیم خسارات وارده به نفع بزه‌دیدگان اختصاص یافته است. بنابر ماده ۹۴، تشریفات در خواست‌های ارائه شده توسط بزه‌دیدگان تبیین

69. SALAS, Denis. 2004, p.185.

70. Anne Marie LA ROSA .

71. LA ROSA, Anne-Marie. Juridictions pénales internationales, la procédure et la preuve, p. 208.

72. SCALIA, Damien, Helbing Lichtenhahn, Bruylant, 2008, p. 338.

می‌گردد. اینکه درخواست ارائه شده باید به صورت کتبی و به منشی دادگاه تحویل گردد. و از طرفی این درخواست باید از لحاظ شکلی هفت شرط از جمله ذکر نام و نام‌خانوادگی و آدرس متقاضی، مکان و تاریخ وقوع حادثه و حتی‌الامکان نام و نام‌خانوادگی افرادی که از نظر بزه‌دیده مسئول خسارات وارده هستند و... شرایط تفضیلی دیگری را رعایت نمود باشد. از طرفی، چگونگی و شیوه ترمیم در قاعده ۹۷ مقررات آیین دادرسی و ادله مورد توجه واقع گردیده به این معنی که «دادگاه می‌تواند با ترمیم خسارات به صورت فردی یا اگر مناسب بداند به صورت جمعی یا حتی هر دو موافقت نماید.» اصولاً به نظر می‌رسد در ارتباط با ترمیم خسارت بزه‌دیدگان صندوق مربوطه نقش محوری را برای تعیین شیوه واریز نمودن غرامت‌ها و همچنین برای نحوه پرداخت به بزه‌دیدگان ایفا می‌نماید. در این مورد بند یک تا پنج قاعده ۹۸ به تفصیل به این موارد می‌پردازد.

با توجه به تحولات پشت‌سر گذاشته شده در حقوق دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به نظر می‌رسد که تعریف بزه‌دیده کم‌وبیش در سیستم کیفری این دادگاه نسبت به محاکم بین‌المللی پیشین گسترده‌تر باشد زیرا، به موجب قاعده ۸۵ مقررات آیین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه، تمامی اشخاصی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم متحمل ضرر و خسارتی ناشی از ارتکاب یک جنایت گردیده‌اند، بزه‌دیده محسوب می‌گردند.<sup>۷۳</sup> و جالب‌تر اینکه اشخاص حقوقی نیز به استناد ماده ۸ اساسنامه دادگاه در تعریف بزه‌دیده جای می‌گیرند. همچنین باید متذکر شویم که امکان مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند رسیدگی به محض شروع تحقیقات<sup>۷۴</sup> نیز یکی دیگر از برتری‌های جایگاه حقوق ترمیم در سیستم این دادگاه محسوب می‌گردد. از این رو شعبه بدوی دادگاه لاهه در این خصوص اشاره می‌کند که:

«منافع شخصی بزه‌دیدگان به شیوه‌ای فراگیر به مرحله تحقیق مرتبط می‌شود زیرا مشارکت بزه‌دیدگان در این مرحله اجازه می‌دهد تا افعال ارتكابی روشن و مسئولان جنایات ارتكابی مجازات و همچنین ترمیم خسارات تحمیلی مورد در خواست قرار گیرد»<sup>۷۵</sup>

بند سوم ماده ۱۵ اساسنامه دادگاه تأیید می‌کند که «بزه‌دیدگان می‌توانند بنابر مقررات آیین دادرسی و ادله نمایندگان خود را به شعبه مقدماتی بفرستند.» بلافاصله بند سوم از قاعده ۵۰ مقررات آیین دادرسی و ادله می‌گوید: «بزه‌دیدگان می‌توانند به صورت کتبی و در موعد مقرر به شعبه مقدماتی نمایندگی بدهند. [در این صورت] شعبه مقدماتی است که تصمیم مدلل‌اش مبنی بر تجویز یا عدم تجویز اختصاص یک تخفیف را به اطلاع می‌رساند.» هم‌چنان که ملاحظه می‌گردد با چنین امکانات مناسبی، بزه‌دیدگان هیچگونه حقی مبنی بر اینکه مستقیماً به دادگاه مراجعه کنند ندارند.<sup>۷۶</sup> لازم به ذکر است که فرایند و تشریفات رسیدگی به مسأله ترمیم ممکن است توسط بزه‌دیده و یا در موارد استثنایی «به خودی خود»<sup>۷۷</sup> به جریان نیفتد.<sup>۷۸</sup> لذا بزه‌دیده می‌تواند در خواستش را به وسیله یک فرم استاندارد درخواست غرامت که بر روی سایت دادگاه موجود است ارسال نماید. البته همواره نوعی عدم قطعیت در خصوص زمان صدور حکم ترمیم وجود داد.

<sup>۷۳</sup> در این خصوص به مواد ۴۱ و ۴۶ مقررات مربوط به صندوق ویژه اختصاص داده شده به بزه‌دیدگان توجه گردد:

Résolution ICC-ASP/4Res.3, Adoptée par consensus à la quatrième séance plénière, le 3 décembre 2005. Consulté sur le site de la CPI le 19 juin 2008.

<sup>۷۴</sup> Doc : ICC-01/04-101 18-01-2006 1/43 SL (N° ICC -01/04), Situation en république démocratique du Congo Chambre préliminaire I, 17 janviers 2006, para. 53.

<sup>۷۵</sup> پیشین.

<sup>۷۶</sup> BEAUTHIER Georges-Henri. Les victimes face aux violations graves du droit international humanitaire : témoins ou parties à part entières, p. 126.

<sup>۷۷</sup> Prprio motu.

این اصطلاح لاتین در زبان فرانسه با عنوان de son propre mouvement, spontanément. به معنی مذکور در متن آمده است.

<sup>۷۸</sup> Fourcans, Claire, op. cit, p. 481.

در این مورد مسئله در پرونده لوبانگودیلو<sup>۷۹</sup> مورد توجه قرار گرفته است. در همین رابطه باید متذکر شد که بند سوم از ماده ۷۶ به صراحت پیش‌بینی می‌کند که بحث در خصوص ترمیم‌هایی که باید توسط محکوم علیه صورت گیرد، در چارچوب یک جلسه رسیدگی اضافه و در صورتی که یک چنین جلسه رسیدگی بعد از صدور حکم مجرمیت واقع شود، جریان می‌یابد.<sup>۸۰</sup>

با این حال می‌توان سؤال دیگری مطرح نمود مبنی بر اینکه آیا زمان یک چنین جلسه رسیدگی اضافی قبل از صدور حکم کیفر یا بعد از آن است؟ ظاهراً «نحوه نگارش ماده ۷۶ و قاعده ۱۴۵ مقررات آیین دادرسی و ادله چنین القا می‌کنند که بحث در خصوص ترمیم خسارات وارده به مجنی علیه معمولاً باید قبل از صدور حکم کیفر صورت گیرد.<sup>۸۱</sup> با این همه باید اضافه نمود که قبل یا بعد از محکومیت متهم، درخواست‌های ترمیم خسارات ممکن توسط بزه‌دیدگانی که در فرایند رسیدگی شرکت ننموده‌اند وارد جریان رسیدگی شود.<sup>۸۲</sup>

---

<sup>79</sup>. Lubago Dylo.

<sup>80</sup>. Affaire Thomas LUBANGA DYILO, n° ICC-01/04/06, CPI, Situation en république démocratique du Congo, Chambre de première instance, 2 Avril 2008, para. 4.

<sup>۸۱</sup>. همان، بند ۵.

<sup>۸۲</sup>. همان.

## نتیجه گیری

در یکی از تعاریفی که از عدالت ترمیمی می شود آن را نوعی عدالت کیفری مبتنی بر «جبران» دانسته اند. جبران در اینجا به معنی تلاش برای ترمیم آثار اسفبار جرم و ضرر و زیان های ناشی از آن خواه به صورت کامل و یا به صورت سمبلیک می باشد. این تعریف و سایر تعریف های عدالت ترمیمی نشان می دهد که ما بایستی امروزه موضوع ترمیم و جبران خسارت بزه دیدگان جرائم بین المللی را در گستره ای مبتنی بر آموزه های مکتب فوق مورد توجه قرار دهیم. پس از سکوت اساسنامه و متون حقوقی دادگاه های کیفری بین المللی ویژه در خصوص حقوق بزه دیدگان و ترمیم خسارت های وارده به آنها، هم اکنون با نگاه جدی تر اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به مسئله و افزون بر آن تحولاتی که در حقوق های ملی در مورد ترمیم و جبران خسارت مشاهده می گردد، نوبت به ساماندهی یک رژیم حقوقی - کیفری ویژه برای «ترمیم» خسارات وارد به بزه دیدگان جرائم بین المللی می رسد.

تمسک به مدل اعمال شده در سیستم دادگاه محلی گاجاچا در رواندا به تبع سکوت اساسنامه دادگاه بین المللی رواندا، باز هم ما را به دامان حقوق های داخلی ایی رهنمون می کند که ممکن است هر یک ساز خود را بنوازند. شاید راه معقول تر تنقیح و توسعه گستره مفهومی راه حل های ارائه شده در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی باشد. ویژگی اساسی تحول در خصوص حقوق بزه دیدگان در دیوان، در قدم اول تفکیکی بین جایگاه شاهد - که همیشه وجود داشته است - و جایگاه بزه دیده می باشد. بزه دیده، گاه برای اولین بار به بهانه تحمل خسارت های وارده در فرایند رسیدگی مشارکت می کند و به گونه ای نسبی به موضوع عدالت کیفری بین المللی تبدیل می گردد. با این همه، اینکه دیوان در ماده ۷۵ اساسنامه سخاوتمندانه احقاق حقوق بزه دیدگان را در اشکال مختلف پذیرفته کافی نیست. بزه دیده در اینجا بدون اینکه طرف دعوا به حساب آید به مثابه یک شیء و مانند ماشینی است که قرار است لاستیک های پنچر شده اش عوض شوند! به نظر می رسد گام بعدی را باید به اصلاح مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان مبنی بر پذیرفتن بزه دیده به عنوان یکی از طرفین دعوا، برداشت. این کار، بزه دیده را از نامحرمت خارج نموده و می تواند هرگاه احساس تضییع حق نمود طرح دعوا نماید. به علاوه به نظر می رسد برای تقویت بعد کیفری مسأله ترمیم که می تواند بدون خدشه به جنبه های مدنی آن باشد، بهتر است مانند مدل حقوق کیفری فرانسه یک عنوان مستقل کیفری برای ترمیم و جبران خسارت های وارده به بزه دیدگان در نظر گرفت. عظمت و گستردگی جرائم ارتكابی علیه بزه دیدگان در حوزه حقوق بین الملل کیفری و پر شمار بودن بزه دیدگان می تواند توجیه مؤثری برای استقلال عنوان کیفری ترمیمی و جبران خسارت بزه دیدگان بین المللی باشد. این امر البته منافاتی با پیشنهاد شاکی خصوصی فرض کردن بزه دیده در دعوی ترمیم و جبران خسارت ندارد.



## فهرست منابع

1. Affaire Milosevic, n° IT-99-37-I, TPIY, *Décision on Review of indictment ans application for consequential orders*, 24 mai 1999.
2. AMELIA PLUMELLE-URIBE, Rosa Amelia. « Les crimes contre l'humanité et le devoir de réparation », in : *Crimes de l'histoire et réparations : les réponses du droit et de la justice*, L.B. de Chazourines, J.-F. Quéguiner et S.Villalpando (sous la direction), BRYULANT, édition de l'université de Bruxelles, 2004.
3. BASIOUNI, Cherif. « Reconnaissance internationale des droits des victimes », in : *Terrorisme, victimes et responsabilité pénale internationale*, Ghislaine DOUCET (sous la direction), Calmann LEVY et S.O.S ATTENTATS 2003.
4. BEAUTHIER, Georges-Henri. « Les victimes face aux violations graves du droit international humanitaire : témoins ou parties à part entières ? », in : *La répression internationale du génocide rwandais*, Laurence BUGORGUE-LARSEN, BRUYLANT(sous la direction),s 2003.
5. BOFGHI, Alvaro. *L'immunité des dirigeants politiques en droit international*, Helbing et Lichtenhahan. Bruylant. L.G.D.J., 2003.
6. BOISSON DE CHAZOURENS, Laurence. « Mise en œuvre de la réparation des crimes de l'histoire : une possible [ré] conciliation des temps passés, présents et futurs ? ». in : *Crimes de l'histoire et réparations : les réponses du droit et de la justice*, L.B. de Chazourines, J.-F. Quéguiner et S.Villalpando (sous la direction), BRYULANT, édition de l'université de Bruxelles, 2004.
7. CHESNELONG, Bénédicte. « Victimes et justice des crimes de guerre et contre l'humanité », in : *Victimes de guerre en quête de justice*, Denis SALAS (sous la direction), l'Harmattan 2004.
8. DEPERCHIN, Annie. « Victimes du première conflit mondial et justice », in : *Victimes de guerre en quête de justice*, Denis SALAS (sous la direction), l'Harmattan 2004.
9. D'ARGENT, Pierre. *Les réparations de guerre en droit international public, la responsabilité internationale des États à l'épreuve de la guerre*. LJDJ, BRUYLANT, 2002.
10. DOUCET, Chislaine, « Reconnaissance internationale des droits des victimes », in : *Terrorisme, victimes et responsabilité pénale internationale*, (sous la direction), Calmann LEVY et S.O.S ATTENTATS 2003.
11. DUBUIS, Yanick. La réparation au profit des victimes en droit pénal humanitaire. In : *Droit pénal humanitaire*, Série II vol 4, Helbing et Lichtenhahn Bruylant, 2006.
12. FOURCANS, Claire, *Les violences sexuelles devant les juridictions pénales internationales*, Thèse, 2007, Université Paris X- Nanterre.
13. KESSEDJIAN, Catherine, La réparation des crimes de l'histoire vue sous l'angle du droit international privé. In : *Crimes de l'histoire et réparations : les réponses du droit et de la justice*. L.B. de Chazourines et al. (Sous la direction), BRYULANT, édition de l'université de Bruxelles, 2004.

14. La réparation des crimes de l'histoire : état et perspectives du droit international public contemporain. in : *Crimes de l'histoire et réparations : les réponses du droit et de la justice*. L.B. de Chazourines, et alli. (Sous la direction), BRYULANT, édition de l'université de Bruxelles, 2005.
15. La Rosa, Anne-Marie. *Juridictions pénales internationales, la procédure et la preuve*, Puf 2003.
16. La Haye condamne le génocide de Srebrenica, « La Cour internationale de justice confirme une précédente décision qualifiant de génocide les massacres commis dans ce bourg de Bosnie en 1995 », in : *Le Figaro.fr*, 15/10/2007.
17. LESCURE, Karine. TRINTIGNAN, Florence. *Une justice internationale pour l'ex-Yougoslavie, mode d'emplois du Tribunal pénal international de la Haye*, L'Harmattan 1994, p. 62s.
18. MAYAUD, Yeve. *Droit pénal général*, puf, 2007.
19. PAILLARD, Bertrand. *La fonction réparatrice de la répression pénale*, L.G.D.J. 2007.
20. PIERRE, Alexia. *Victimes de crimes de droit international humanitaire et justice pénale internationale*. Rev. criminologie et police technique, n° 3, 2008.
21. RAZAVIFARD, Behzad. *Lapénalité dans le droit des juridictions penales internationales*, thèse, unive poitiers, France 2009.
22. ROUZBEH, Panteha. « La saisine des Tribunaux pénaux internationaux ». in : *Droit pénal humanitaire*. Série II vol 4, Helbing et Lichtenhahn Bruylant, 2006.
23. SCALIA, Damien. « La place des victimes devant la CPI », in : *Droit international pénal*, 2008 Helbing Lichtenhahn, Bruylant.
24. STEWART BROWN, Bartram. « État des lieux des droits de l'homme, du droit international humanitaire et du droit international pénal : face aux requêtes en « réparation » des crimes de l'histoire : bilan prospectif ». In : *Crimes de l'histoire et réparations : les réponses du droit et de la justice*. De Chazourines, L.B., Quéguiner, J.-F. et S.Villalpando (sous la direction), BRYULANT, Edition de l'université de Bruxelles, 2004.
25. SALAS, Denis. « Avant propos », in : *Victimes de guerre en quête de justice*, Denis SALAS (sous la direction), l'Harmattan 2004.
26. TEANI, Anne-Lise. *L'arrêt de la Cour internationale de justice du 26 février 2007*, RSC n° 4, 2007.
27. VANDEGINSTE, Stef. *Réparation pour les victimes de génocides, de crimes contre l'humanité et de crime de guerre au Rwanda*, Annuaire Af. GL 2000-2001, L'Harmattan 2001, p. 99-100. V. également, Jean-Pierre FOFE DJOFIA MALEWA, *La justice pénale internationale face à la complexité du phénomène criminel sévissant dans la région des grands lacs Africains*, PASC, volume XX, presse universitaire d'Aix-Marseille 2007.

۲۸. اسدی، لیلا سادات؛ جبران خسارات ناشی از جرم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۸۸.

۲۹. اردبیلی، محمد علی؛ حقوق بین‌الملل کیفری، نشر میزان، ۱۳۸۳.

۳۰. رابرتسون، جفری؛ جنایات علیه بشریت، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۳، ص ۴۸.